

بسم الله الرحمن الرحيم
وصلی الله علی محمد وآله
تدبر حسینی (ع)

شرح زیارت عاشورا (۳)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ

اگر بریده بریده به لب سخن دارم هزار لطمه ناگفته در دهن دارم
قسم به موی سپیدم سیاه شد روزم چقدر حرف در این واژه "زن" دارم
امام باقر در فرازی از زیارت عاشورا چنین فرموده‌اند: «**مُصِيبَتُهُ مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيئَتُهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي**
جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»: (فرازی از زیارت عاشورا) «مصیبت عاشورا مصیبتی است که در اسلام و در آسمان
و زمین بزرگ‌تر از آن وجود ندارد»

موضوع تدبر: چرا مصیبت امام حسین (ع) بزرگترین مصیبت در آسمان‌ها و زمین است و این موضوع چه
تکلیفی برای ما ایجاد می‌کند؟

پاسخ اجمالی: بی‌شک خدا و اولیاء او بهتر می‌دانند، هر کسی نمی‌تواند به درک عظمت مصیبت عاشورا،
آن‌طور که هست، توفیق یابد. میزان فهم و درک افراد از این مصیبت اعظم و فاجعه عظمی، بسته به عمق
معرفشان نسبت به ظاهر و باطن و بازتاب آن در سرنوشت انسان و هستی متفاوت است.

توضیح امام صادق (ع) چنین است: «روز امام حسین علیه السَّلَام از تمام ایام مصیبتش بزرگ‌تر است؛ زیرا
اصحاب کساء که کریم‌ترین مخلوقات و شریف‌ترین آن‌ها نزد خدا بوده پنج‌تن می‌باشند؛ پس وقتی نبی اکرم
(ص) از بین ایشان رحلت کردند، امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین (ع) باقی ماندند؛ پس مردم ایشان را
تسلیت می‌دادند و وقتی فاطمه (س) از بینشان رفتند، مردم امیرالمؤمنین و حسن و حسین (ع) را امر به صبر
می‌نمودند و وقتی امیرالمؤمنین (ع) رفتند، مردم حسنین (ع) را تسلیت می‌دادند و وقتی امام حسن (ع) از دنیا
رفتند، مردم امام حسین (ع) را تسلیت می‌گفتند و وقتی ایشان شهید شدند، در اصحاب کساء احدی باقی نمانده
بود که مردم به او تسلیت بگویند. پس رفتن امام حسین از دنیا به مثابه این بود که تمام اصحاب کساء از دنیا
رفته‌اند؛ چنانچه بقای آن حضرت همچون بقای جمیع آن‌ها بود. لذا روز شهادت آن حضرت از نظر مصیبت، از
تمام ایام بزرگ‌تر است. (صدوق، علل الشرائع، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۷۳۳). از این فرمایش استفاده می‌شود که پنج
تن آل کسا (ع) به لحاظ شخصیتی باهم مقایسه نشده‌اند زیرا هر کدام ویژگی منحصر به فردی دارند که در
ظهور و بروز آنها را از دیگری متفاوت می‌کند، باقی بودن تعدادی از آنها در صورت مصیبت فقدان تعدادی

دیگر، مصیبت آسان‌تری خواهد بود نسبت به فقدان آخرین فرد از افراد حلقه این نور الهی، (علیهم افضل صلوات المصلین)

به روی نیزه رگ غیرت تو میجوشید که مثل مادر تو ردپا به تن دارم
سرت به دامن طشت و سرم به دامن خاک تو در دل من و من در دلت وطن دارم
مصیبت امام حسین (ع)، بزرگترین مصیبت در آسمان‌ها و زمین

«یا ابا عبد الله لقد عظم الرزية، وجلت وعظمت المصيبة بك علينا وعلى جميع اهل الإسلام»

«یا ابا عبدالله، به راستی که سوگواری تو گران و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام عظیم گشت»

روشن است که کشتن حجت الهی عظیم‌ترین مصیبت در عالم محسوب می‌شود و جز خداوند کسی نمی‌تواند

حقیقتاً بزرگی واقعه را در عالم بیان کند. با این حال خداوند از مؤمنین خواسته است که در حدّ توان خود

عظمت مصیبت عاشورا را اظهار کنند: «وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (حج / ۳۰) یعنی و هر

کس اموری را که خدا حرمت نهاده بزرگ و محترم شمارد البته این برایش نزد خدا بهتر خواهد بود.. و در آیه

۳۲ همین سوره می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». و هر کس شعائر (دین) خدا را

بزرگ و محترم دارد این از صفت دلهای باتقواست. بزرگی مصیبت ابا عبدالله علیه السلام به قدری بوده که

خداوند پیغمبران را به کربلا آورده و گوشه‌ای از مصیبت آنحضرت را برای آنها ذکر نموده و آنها گریه کرده

و در آن زمین ناراحتی دیدند؛

آدم علیه السلام در زمین کربلا: ((شیخ طریحی)) در ((منتخب)) نقل میکند که چون حضرت آدم به

زمین هبوط کرد و حوا را ندید در مسیرش برای طلب او به زمین کربلا رسید بدون آنکه واقعه‌ای برای او پیش

آمد کند به اندوهی بزرگ در افتاد و سینه‌اش تنگی گرفت و چون به مقتل حسین (ع) رسید لغزشی در وی

پدید آمد که خون از پای وی جاری گشت، سر به سوی آسمان کرده و گفت پروردگارا آیا من مرتکب گناه

دیگری شدم که اینک مرا کیفر دادی چه من در روی زمین عبور کردم به چنین حادثه‌ای گرفتار نشدم. حق

تعالی وحی فرستاد که ای آدم جرم تازه‌ای از تو صادر نشده ولی فرزندان حسین در این زمین به ظلم کشته

میشود اینک خون تو به موافقت وی ریخته شد، آدم عرض کرد پروردگارا حسین پیغمبر است؟ خطاب آمد

که پیغمبر نیست ولی فرزندزاده پیغمبر من محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد، عرض کرد قاتل او کیست؟

خطاب آمد قاتلش یزید است که ملعون اهل آسمانها و زمین است. آدم روی به جبرئیل آورده گفت چه کار

کنم گفت لعن بر یزید کن آدم چهار مرتبه یزید را لعن نمود و چند قدمی برداشت تا به کوه عرفات رسید و حوا

را دریافت.

حضرت نوح علیه السلام در زمین کربلا: و نیز در ((منتخب)) روایت میکند چون حضرت نوح سوار کشتی شد و دنیا را آب گرفت در روی آب حرکت می کرد تا به کربلا رسید، در آنجا کشتی ایستاد و حرکت نکرد نوح از غرق شدن کشتی ترسید عرض کرد الهی در روی آب همه جا گردیدم مرا خوفی مثل این زمین نرسید جبرئیل نازل شد عرض کرد یا نوح در این زمین امام حسین (ع) شهید می شود که سبط خاتم انبیاء محمد مصطفی میباشد حضرت نوح پرسید قاتل او کیست؟ جبرئیل گفت لعین هفت آسمان و زمین می باشد حضرت نوح چهار مرتبه او را لعن کرد کشتی حرکت کرد تا به کوه جودی رسید.

حضرت ابراهیم علیه السلام در زمین کربلا: ((طریحی)) نقل میکند که وقتی حضرت ابراهیم (ع) سواره به صحرای کربلا گذر نمود اسب او به سر در آمده و آن حضرت از پشت اسب به زمین افتاد و سر مبارکش شکست و خون جاری شد پس زبان به استغفار گشود و گفت الهی از من چه گناهی سر زده که بدون جهت به زمین خورده خون از سرم جاری شد؟ جبرئیل نازل شده گفت ای ابراهیم گناهی از تو صادر نگشته ولی این سرزمینی است که در آن سبط خاتم الانبیاء و پسر خاتم الاوصیا کشته می شود پس خون تو به موافقت خون او ریخته شد. ابراهیم گفت ای جبرئیل قاتل او چه کسی خواهد بود؟ جبرئیل گفت او ملعون اهل آسمانها و زمینها است و قلم بر لوح به لعن آن پلید بدون اذن پروردگار جاری شد. حق تعالی به قلم وحی نمود که به نگارش این لعن مستحق ثنا و ستایش گشتی آنگاه ابراهیم دست به دعا برداشت و بسیار یزید را لعن کرد و اسب آن حضرت به زبان فصیح آمین گفت. ابراهیم خطاب به اسب نموده فرمود چگونه بدی یزید بر تو معلوم شد که آمین گفتی؟ اسب گفت ای ابراهیم من همیشه فخر می کردم که تو بر پشت من سوار می شوی و چون به سر فرود آمدم و تو از پشت من به زمین افتادی خجلت و شرمساری من زیاد شد و دانستم که این به واسطه پلیدی یزید است لذا آمین گفتم.

بلند مرتبه شاهی ز صد رزین افتاد اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد

حضرت اسماعیل علیه السلام در زمین کربلا: حضرت اسماعیل با گوسفندانی که داشت در کنار شط فرات عبور می کرد و گوسفندان چرا می نمودند روزی شبان آنحضرت خبر آورد که این گوسفندان چند روز است که از فرات آب نمی خورند حضرت اسماعیل سبب را از خدا سؤال نمود جبرئیل نازل شد عرض کرد که جهت را از خود گوسفندان پیرس حضرت اسماعیل به گوسفندی فرمود چرا آب نمی خورید؟ گوسفند به زبان فصیح عرض کرد که به ما رسیده فرزند تو حسین که سبط محمد است در این سرزمین تشنه شهید می شود و ما به واسطه حزنی که داریم از این آب نمی خوریم.

حضرت موسی علیه السلام در زمین کربلا: وقتی ((حضرت موسی ع)) با ((یوشع بن نون)) به زمین کربلا رسیدند بند نعلین موسی پاره شد و خاری سخت بر دو پای مبارکش فرو رفت و خون جاری شد عرض

کرد الهی چه گناهی از من صادر شده که بدین کیفر مبتلا شدم حق تعالی وحی فرستاد که در این موضع خون حسین ریخته می شود و خون تو به موافقت خون وی جاری گردید عرض کرد خدایا حسین کیست ؟ خطاب آمد که سبط محمد مصطفی و پسر علی مرتضی است ، عرض کرد قاتل او کیست ؟ خطاب آمد که او لعین ماهی های دریا و وحوش صحرا و طیور هوا است. موسی دست به دعا برداشته یزید لعین را لعن کرد و یوشع بن نون آمین گفت .

حضرت عیسی در زمین کربلا: روایت شده که حضرت عیسی (ع) در ایام سیاحت خود با حواریون گذارش به زمین کربلا افتاد ناگاه شیر بزرگی بر سر راه ایشان آمد راه را بر ایشان مسدود کرد حضرت عیسی پیش رفت و فرمود چرا راه را بر ما گرفته ای و نمیگذاری عبور کنیم؟ شیر به زبان فصیح گفت نمیگذارم شما ازین بگذرید مگر آنکه یزید را که کشنده حسین است لعن کنید، عیسی فرمود حسین کیست ؟ شیر گفت سبط محمد النبی الامی و پسر علی که وصی او است ، فرمود قاتل او کیست ؟ شیر گفت ملعون وحوش بیابان ها و گرگان و درندگان صحراها بالخصوص در روز عاشورا آنگاه حضرت عیسی دست به دعا برداشت و یزید را لعن فرمود، حواریون آن حضرت آمین گفتند شیر دور شده آنها رفتند.

یارب دلم از غم حسین محزون کن در سیــــــنه ما محبتش افزون کن
جز مهر حسین هر آنچه باشد به دلم خون ساز و ز راه دیده ام بیرون کن

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در زمین کربلا: ((شیخ مفید)) در کتاب ارشاد به اسناد خود از ((ام سلمه)) نقل می کند که گفت شبی پیغمبر خدا (ص) از نزد ما بیرون رفت و مدت زمان طولی از ما غایب بود بعد از مدتی که باز آمد آن حضرت را پریشانحال و گرد و غبارآلوده دیدیم که دست مبارکش را به هم گذاشته و بسته بود عرض کردم یا رسول الله چرا شما را گرد و غبارآلوده و پریشانحال می بینم فرمود در این ساعت مرا به عراق به زمینی که کربلا نام داشت بردند و مقتل حسین و جماعتی از فرزندان و اهل بیت مرا به من نشان دادند و من خون ایشان را همی جستم و اینک خاک آن سرزمین در دست من است آنگاه حضرتش دست خود را بگشود که میان دستش خاک قرمز رنگی بود به من داد و فرمود این خاک را محفوظ بدار من آن خاک را در شیشه کردم و سر آن را محکم بستم و چون حضرت حسین (ع) از مدینه متوجه عراق شد هر روز و هر شب آن را می دیدم و چون آخر روز عاشورا آنرا دیدم تبدیل به خون تازه شده بود صدای ناله ام بلند شد و گریه بسیاری کردم و دانستم که حسین (ع) کشته شده ولی این مطلب را به کسی نگفتم تا خبر شهادت آن حضرت رسید. و در ارشاد از ام سلمه نقل نموده که گفت شب یازدهم محرم با کمال غم خوابیدم رسول خدا را در خواب دیدم با حالت حزن و ناله و گریان و غبارآلوده و تا آن شب آن حضرت را خواب ندیده بودم من مشغول پاک کردن آن گرد و غبار شدم و عرض کردم یا رسول الله جانم قربانت چرا گریه می کنی و این گرد

و غبار چیست که بر سر و محاسن شما می بینم؟ فرمود ای ام سلمه امشب مشغول کندن قبر برای حسینم و اصحابش بودم و الان از کنند آنها فارغ شدم.

امیر المؤمنین علیه السلام در زمین کربلا: ((صدوق)) علیه الرحمه در ((امالی)) از ابن عباس نقل می کند که گفت در مراجعت از جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام بودم چون به زمین نینوا و شط فرات رسیدیم آن حضرت با صدای بلند فرمود که ای پسر عباس این موضع را می شناسی؟ عرض کردم نمی شناسم فرمود اگر این زمین را می شناختی همچنانکه من می شناسم از اینجا عبور نمی کردی تا مانند من گریه کنی آنگاه حضرتش چنان بگریست که اشک چشمش از محاسن مبارکش جاری شد و بر سینه اش ریخت و ما نیز گریان شدیم پس فرمود آه مرا چه کار است با آل ابی سفیان و ((آل حرب)) که لشکر شیطان و اولیای کفراند «**مالی و لال ابی سفیان مالی و لال حرب حزب الشیطان و اولیاء الکفر**». بعد فرمود: «**صبرا ابا عبدالله فقد لقی ابوک مثل الذی تلقی منهم**». صبر کن ای ابو عبدالله که رسید بر پدر تو مثل آنچه به تو خواهد رسید آنگاه فرمود تا آب حاضر کردند و وضو ساخت و مدتی نماز گزارد و دوباره کلام نخستین را اعاده فرمود و ساعتی به خواب رفت و چون بیدار شد فرمود یابن عباس عرض کردم اینک حاضرم فرمود خوابی دیدم و اگر خواهی از برای تو حدیث کنم عرض کردم به خیر است فرمود در خواب دیدم که مردانی از آسمان نازل شدند با علمهای سفید که شمشیرهایی به گردن خود انداخته و دور این زمین خطی کشیدند بعد دیدم که شاخه های این درخت خرما سر بر زمین آوردند و این صحرا به خون تازه موج می زند و گویا حسین که فرزند من و گوشت و مخ و جان من است در آن دریای خون غرق شده و استغاثه می کند و کسی به فریاد او نمی رسد و آن مردان سفید که از آسمان فرود آمده بودند او را ندا می کردند و می گفتند صبر بر شما باد ای آل رسول که شما به دست اشرار ناس کشته می شوید و اینک ای ابو عبدالله بهشت به سوی تو مشتاق است، آنگاه زبان به تعزیت من گشودند و گفتند ای ابوالحسن بشارت باد تو را که خداوند چشم تو را در روز قیامت به او روشن خواهد کرد، پس از خواب بیدار شدم و قسم به آن کسی که جان علی در ید قدرت اوست مرا صادق مصدق ابوالقاسم صلی الله علیه و آله خبر داد که هنگام خروج به قتال اهل بغی این زمین را خواهم دید و این زمین کرب و بلا است که حسین با هفده تن از فرزندان من و فاطمه در این زمین مدفون خواهند شد و این زمین در آسمان ها معروف و مذکور است که زمین کرب و بلا می نامند چنانکه حرمین و بیت المقدس معروف و مذکور است...

عظمت عاشورا نزد حضرت صدیقه طاهره (س): این واقعه بر مادر گرامی اش صدیقه طاهره نیز بسیار

عظیم و گرانبار است؛ تا حدی که حضرت زکریا بر حال ایشان ترحم می کند و این مصیبت را برای ایشان بزرگ می داند و فاجعه می خواند. **إِلَهِي أَتَلِسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ثِيَابَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ إِلَهِي أَتَحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ**

الْفَجِيعَةُ بِسَاحَتَيْهَا (معبودا آیا جامه این مصیبت را به تن علی و فاطمه خواهی پوشید؟ معبودا آیا گرفتاری این فاجعه در محیط زندگانی آنها وارد می شود؟) شدت این مصیبت برای مادر ایشان فاطمه زهرا به حدی است که وقتی در ایام حمل ایشان متوجه مصیبت ها و وقایع شهادت این فرزند خود می گردند، دوران حمل را با کراحت شدید طی می کنند. **حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا** و وقتی از آن چیزهایی که به عوض شهادت به ایشان داده می شود مطلع می شوند، به آن رضایت می دهند و آرام می شوند.

دل مردان خدا راست ز تو نور حیات یا قتل العبرات شده محکم ز مناجات تو ارکان صلات یا قتل العبرات
عظمت عاشورا نزد امام حسن مجتبی (ع): امام مجتبی (ع) نیز این مصیبت را بزرگ می دانند. مظلومیت آن حضرت به حدی است که به دست همسرشان در داخل خانه خود مسموم می شوند؛ با این حال وقتی سیدالشهدا (ع) گریان به بالین ایشان می آیند می فرمایند: **مَا يُبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَبْكِي لِمَا يُضْنَعُ بِكَ فَقَالَ لَهُ ...** یا حسین! برای چه گریان شدی؟ فرمود: برای آن ظلمی که در حق تو خواهد شد. امام حسن (ع) فرمود: آنچه موجب قتل من می شود زهری است که با دسیسه به من داده اند؛ و لکن لا یوم کیومک یا ابا عبدالله؛ ولی هیچ روزی مثل روز (عاشورای) تو نخواهد بود یا ابا عبدالله! زیرا سی هزار نفر در اطراف تو اجتماع می کنند که گمان می نمایند از امت جد ما خواهند بود و خود را به دین اسلام می بندند. آنان برای کشتن، ریختن خون، هتک حرمت، اسیر کردن فرزندان و زنان و تاراج اموال تو ازدحام خواهند کرد! در چنین موقع است که لعنت خدا دامنگیر بنی امیه می شود. آسمان خاکستر و خون می بارد. هر چیزی برای مظلومیت تو گریان می شود؛ حتی وحشیان صحرا و ماهیان دریاها. خداوندا! ما را با عالم خلقت و بزرگان این عالم و همه جنبندگان و همه مخلوقات آسمانها و زمین همگام گردان تا این روزها را روزهای مصیبت خود قرار دهیم و آن را اعظم مصیبت ها بدانیم.

دل بی تو باشد مرده ای بهتر که در گورش کنم چشمی که بیند جز تو را با خنجری کورش کنم
 افتاده زار و منفعل، در چنگ دیو نفس، دل دستی بده کاین دیو را از این حرم دورش کنم
 دل بحر خون در ماتمت جان تشنه اشک غمت باشد که در امواج غم، از گریه مسرورش کنم

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة